

محاسبه و تجزیه و تحلیل اشتغال غیررسمی در بخش های اقتصادی و برآورد منابع ازدست رفته تأمین اجتماعی^۱

شهریار زرکی^۲، مستانه بدالهی اطاقسرا^۱ و آرمان یوسفی بارفروشی^۴

چکیده

تعریف: عمده منابع تأمین اجتماعی در ایران بر دریافت حقیقه استوار است و اشتغال در بخش غیررسمی از شمار بیمه‌پردازان می‌کاهد. بنابراین اشتغال غیررسمی موجب از دست رفتن منابع درآمدی سازمان تأمین اجتماعی می‌گردد.

هدف: با توجه به اهمیت موضوع منابع مالی ازدست‌رفته برای سازمان تأمین اجتماعی، در پژوهش حاضر سعی شده است با محاسبه میزان اشتغال غیررسمی در بخش های اقتصادی در فاصله سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، به برآورد و تجزیه و تحلیل منابع مالی ازدست‌رفته ناشی از اشتغال غیررسمی پرداخته شود. روش: بدین منظور با استفاده از ریزداده های هزینه و درآمد خانوارها در بازه زمانی مذکور و بهره‌گیری از شاخص های بیمه اجتماعی و حداقل مزد قانونی، میزان اشتغال غیررسمی برحسب مناطق و بخش های اقتصادی اندازه‌گیری و ساختار آن تحلیل شد. سپس با استفاده از روش توصیفی و به‌کارگیری مفهوم اشتغال غیررسمی قابل ارتقا، میزان منابع ازدست‌رفته در بخش های عمده اقتصادی و بخش های مربوطه به‌صورت استانی و کشوری محاسبه شد.

نتیجه: نتایج حاکی از آن است که نخست، در سال های مورد مطالعه سهم اشتغال غیررسمی از کل اشتغال افزایش یافته است. همچنین در میان چهار بخش عمده اقتصادی، بخش کشاورزی بیشترین میزان شاغلان غیررسمی را در خود جای داده است. دوم، منابع مالی ازدست‌رفته ناشی از اشتغال غیررسمی در بازه زمانی مذکور کاهش یافته است. علاوه بر این، در میان چهار بخش عمده اقتصادی، بخش صنایع و معادن بیشترین منابع ازدست‌رفته تأمین اجتماعی را دارد.

واژگان کلیدی: اشتغال غیررسمی، تأمین اجتماعی، منابع مالی.

طبقه‌بندی JEL: ۲۲ G، ۵۵ H، ۴۶ J

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «محاسبه و تجزیه و تحلیل اشتغال غیررسمی در بخش های اقتصادی و برآورد منابع ازدست‌رفته تأمین اجتماعی» است که در دانشگاه مازندران و با نظارت معاونت تحقیقات و فناوری این دانشگاه انجام شده و در فروردین ۱۴۰۰ به پایان رسیده است. دستگاه سفارش دهنده مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی بوده است که بدین وسیله از حمایت های این مؤسسه سپاسگزاری می‌شود.

۲. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران، بابلسر، (نویسنده مسئول) sh.zaroki@umz.ac.ir

۳. کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران، بابلسر

۴. کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران، بابلسر

سازمان تأمین اجتماعی مهم‌ترین نهاد حمایتی از نیروی کار در ایران محسوب می‌شود. بر این اساس، طیف گسترده‌ای از وظایف در جهت حمایت از نیروی کار بر عهده سازمان تأمین اجتماعی است (سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۴: ۵۲-۵۱). این سازمان برای انجام وظایف حمایتی خود نیاز به منابع درآمدی پایدار دارد که در این میان یکی از کلیدیترین منابع درآمدی سازمان تأمین اجتماعی ایران مبالغی است که بر اساس درصدهایی از پیش تعیین‌شده به‌زای یک نیروی کار رسمی، توسط فرد بیمه‌شده، کارفرما و دولت به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود (سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۵: ۴۰). علاوه بر موارد فوق، همچون هر نهاد و سازمان دیگری، سازمان تأمین اجتماعی نیز در معرض ریسک‌های مختلفی قرار دارد. یکی از ریسک‌های موجود برای سازمان تأمین اجتماعی، کسری در تراز مالی این سازمان است که در اثر عوامل مختلفی همچون گسترش اقتصاد زیرزمینی و اشتغال غیررسمی ایجاد می‌شود و موجب از دست رفتن منابع درآمدی این سازمان می‌شود. در صورتی که رشد بخش غیررسمی و زیرزمینی اقتصاد ادامه یابد، می‌تواند موجب ورشکستگی سازمان تأمین اجتماعی شود (سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۴: ۷۰). در سیستم اقتصادی، نیروی کار به دلایل مختلفی همچون عدم امکان اشتغال در بخش رسمی یا منافع شخصی فعالیت در بخش غیررسمی اقتصاد را برمی‌گزینند (کورسا و رنکولاتو^۱، ۲۰۰۸: ۳۲۲). همچنین، کارفرمایان نیز با انگیزه حداقل‌سازی مخارج و تعهدات، نیروی کار را به‌طور غیررسمی جذب می‌کنند؛ برای مثال، برخی کارفرمایان بنگاه‌ها برای عدم پرداخت مالیات یا کاهش میزان مالیات پرداختی به دولت، نیروی کار را به‌طور غیررسمی جذب می‌کنند؛ بنابراین در صورتی که بخش رسمی اقتصاد توان جذب نیروی کار یا جذابیت لازم برای جذب نیروی کار دارا نباشد، افزایش میزان اشتغال غیررسمی اجتناب‌ناپذیر است (ویلیامز و راندا^۲، ۲۰۰۸: ۳۷۰؛ بیراگیا^۳، ۲۰۱۲: ۵۹۳). از این رو، آگاهی از میزان شاغلان غیررسمی در کشور می‌تواند دید مناسبی به سیاست‌گذاران اقتصادی و سازمان تأمین اجتماعی در جهت مقابله با اشتغال غیررسمی دهد تا از هدررفتن منابع درآمدی دولت و سازمان تأمین اجتماعی جلوگیری شود؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوعات اشتغال غیررسمی و منابع ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی، هدف این پژوهش آن است که با محاسبه اشتغال غیررسمی و تجزیه و تحلیل ساختار آن میزان منابع مالی ازدست‌رفته‌ی سازمان تأمین اجتماعی ناشی از اشتغال غیررسمی را طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ برآورد و ساختار آن را تبیین کند. زمینه‌های نوآوری پژوهش حاضر آن است که نخست، به محاسبه میزان اشتغال غیررسمی برای تمامی شاغلان موجود در طرح نمونه‌گیری هزینه و درآمد خانوارها در

1. Kucera and Roncolato
2. Williams and Round
3. Bairagya

فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ به صورت کشوری و استانی و با تأکید بر نوع فعالیت اقتصادی شاغلان می‌پردازد. دوم، با بهره‌گیری از محاسبات اشتغال غیررسمی به برآورد منابع مالی از دست رفته سازمان تأمین اجتماعی بر حسب مناطق مختلف کشور و بخش‌های اقتصادی در بازه زمانی مذکور پرداخته می‌شود. بر این اساس ادامه مقاله به این صورت سازمان‌دهی شده است که در بخش دوم به ادبیات پژوهش با تأکید بر ادبیات نظری و ادبیات تجربی پرداخته خواهد شد. در بخش سوم، روش پژوهش مبتنی بر شیوه توصیفی ارائه می‌شود. محاسبه و تجزیه و تحلیل متغیرهای پژوهش در فصل چهارم انجام خواهد شد و یافته‌های پژوهش و پیشنهادات لازم نیز در بخش پنجم ارائه می‌شود.

۲. مروری بر ادبیات

۲-۱. تعریف بخش غیررسمی

هارت^۱ (۱۹۷۳) از اولین اقتصاددانی است که واژه «بخش غیررسمی» را تقریباً هم‌زمان با سازمان بین‌المللی کار در مباحث مربوط به کشورهای در حال توسعه به کار گرفت. او تعریف خود از بخش غیررسمی را بر اساس اینکه افراد کسب و کار شخصی دارند یا حقوق بگیر هستند، ارائه کرده است. تعریف دیگر از بخش غیررسمی در بانک جهانی از سوی مزومدر^۲ (۱۹۷۶) عرضه شده است. وی تعریف خود از بخش غیررسمی را از قرارداد بخش غیررسمی در مقابل بخش رسمی ارائه داده است. مزومدر (۱۹۷۶)، این بخش را برخلاف بخش رسمی که حمایت‌های شغلی منجر به بالا رفتن سطح دستمزدها و بهبود شرایط کاری می‌شود، محروم از قوانین تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری و قوانین کار می‌داند. ستورامان^۳ (۱۹۸۱)، تعریف خود از بخش غیررسمی را بر اساس انگیزه فعالیت این بخش استوار نموده است. وی معتقد است برخلاف بخش رسمی که انگیزه فعالیت در آن حداکثرسازی سود است، بخش غیررسمی ایجاد اشتغال در جهت کاهش بیکاری را هدف قرار داده است.

مروری بر ادبیات بخش غیررسمی نشان می‌دهد که بخش غیررسمی مختص کشور و جامعه خاصی نیست. بخش غیررسمی در جوامع مختلف، چهره‌های متفاوتی می‌یابد. از این رو، حداقل هم‌پوشانی بین تعریف بخش غیررسمی در کشورهای مختلف وجود دارد. سازمان بین‌المللی کار تعریف نسبتاً جامعی را در پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی آماردانان کار^۴ در سال ۱۹۹۳ به صورت زیر ارائه داده است:

بخش غیررسمی دربرگیرنده واحدهایی است که در تولید کالاها و خدمات با هدف اولیه ایجاد اشتغال

1. Hart
2. Mazumdar
3. Sethuraman
4. 15th International conference of labour statisticians (ICLS)

و درآمد برای افراد مرتبط با آن مشغول هستند. این واحدها در سطح پایینی از سازمان‌دهی با عدم امکان یا امکان اندک جدایی بین عوامل تولید (کار و سرمایه) در مقیاس کوچک عمل می‌کنند. مناسبات کاری بیشتر بر مبنای اشتغال موقت، روابط خویشاوندی و شخصی و اجتماعی است تا روابط قراردادی با تضمین‌های رسمی.

واحدهای تولیدی بخش غیررسمی خصوصیات بنگاه‌های خانواری^۱ را دارند. دارایی‌های ثابت و سایر دارایی‌های مورد استفاده در واحدهای تولیدی به مالکان آن تعلق دارد. این گونه واحدها نمی‌توانند وارد نیولیدی که به مالکان آن تعلق دارد. این ردادی با تضمین هم‌مقیاس کوچک عمل می‌معامله یا قرارداد با واحدهای دیگر شوند و نمی‌توانند از طرف خود موجب تعهداتی شوند و مالکان ناگزیرند بدون محدودیت تعهدات مالی را در فرآیند تولید بر عهده بگیرند. هزینه‌های تولید اغلب از هزینه‌های خانوار غیرقابل تمیز است. همچنین، کاربرد کالاهای سرمایه‌ای مورد استفاده مانند وسایل نقلیه و ساختمان ممکن است برای مقاصد کاری و خانوار غیرقابل تشخیص باشند.

فعالیت در بخش غیررسمی توسط واحدهای تولیدی ممکن است لزوماً با قصد عمدی فرار از مالیات یا عدم پرداخت سهم بیمه‌های تأمین اجتماعی یا نقض قوانین کار و مقررات اداری صورت نگیرد. به این دلیل، باید مفهوم بخش غیررسمی از مفهوم فعالیت‌های پنهان یا اقتصاد زیرزمینی متمایز شود (رنانی، ۱۳۹۱: ۱۰۳).

۲-۲. معیار سنجش اشتغال غیررسمی

سازمان بین‌المللی کار اشتغال غیررسمی را شامل کلیه افرادی می‌داند که در مشاغل غیررسمی مشغول به کار هستند. اشتغال غیررسمی می‌تواند در بخش رسمی، بخش غیررسمی و یا خانوار باشد و شامل موارد زیر است:

- برای خوداشتغالان در صورتی که موضوع فعالیت در بخش غیررسمی باشد، اشتغال آنها غیررسمی محسوب می‌شود.
- برای کارکنان فامیلی بدون مزد، صرف‌نظر از بخشی که در آن کار می‌کنند، اشتغال آنها غیررسمی محسوب می‌شود.
- برای مزدبگیران و حقوق‌بگیران در صورت داشتن اشتغال غیررسمی در بخش رسمی یا بخش غیررسمی و یا در صورت اشتغال در خانوار دارای اشتغال آنها غیررسمی محسوب می‌شود.

(هاسمنز^۱، ۲۰۰۴: ۶؛ انجل اردینولا و تانابه^۲، ۲۰۱۲: ۶).

ضوابط متعارف برای اطلاق عنوان غیررسمی به اشتغال عبارت از نداشتن قرارداد، نداشتن مرخصی سالانه با حقوق، نداشتن مرخصی استعلاجی و پرداخت نشدن حق بیمه از طرف کارفرما است (کان و تانسلس^۳، ۲۰۱۴: ۳-۴). بنابراین اشتغال غیررسمی را می‌توان نتیجه نقض قوانین و مقررات بازار کار و تأمین اجتماعی دانست (گرموس^۴، ۲۰۱۷: ۱۵۹).

۲-۳. عوامل تأثیرگذار بر منابع سازمان تأمین اجتماعی

۲-۳-۱. نرخ حق بیمه

از لحاظ نظری با توجه به اینکه درصد بالایی از حق بیمه را کارفرما می‌پردازد، این امکان وجود دارد که کارفرمایان از طریق کمتر اظهاری دستمزدها، تعداد شاغلان و روی آوردن به سرمایه‌بری در تولید می‌توانند بر منابع سازمان تأمین اجتماعی تأثیرگذار باشند (عبدلی، ۱۳۸۴: ۷۱).

۲-۳-۲. اشتغال

تعداد شاغلان در هر سطح دستمزد اثر مثبت بر درآمد صندوق تأمین اجتماعی دارند. البته شاغلان تحت تأثیر عرضه و تقاضای نیروی کار هستند. در بخش عرضه نیروی کار سطح دستمزدها تعداد جمعیت فعال و مهاجرت به داخل اثر مثبت بر عرضه نیروی کار دارد. در بخش تقاضا بهره‌وری نیروی کار، دستمزدها، قیمت کالاها و خدمات و کاربری در تولید از عوامل مؤثر محسوب می‌شود. بنابراین بیکاری اثر منفی بر درآمدهای صندوق دارد؛ زیرا صندوق نه تنها درآمد بیمه‌ای اشتغال را از دست می‌دهد، بلکه طبق قانون تأمین اجتماعی ایران مجبور به پرداخت مستمری به برخی از بیکاران است (عبدلی، ۱۳۸۴: ۷۱).

۲-۳-۳. دوره اشتغال

دوره اشتغال همان دوره بیمه‌پردازی به صندوق است. بدیهی است هر میزان این دوره بیش تر باشد، با فرض ثابت بودن امید به زندگی، درآمد صندوق افزایش می‌یابد. ولی حوادث ناشی از کار، مرگ و میر و بیکاری ممکن است دوره اشتغال را کوتاه کند و طبق قانون تأمین اجتماعی، صندوق باید برای آنها مستمری پرداخت کند (عبدلی، ۱۳۸۴: ۷۱).

1. Hussmanns
2. Angel-Urdinola and Tanabe
3. Kan and Tansel
4. Gormus

۲-۳-۴. سطح دستمزد

معمولاً کارفرمایان که درصد بالایی از حق بیمه شاغلان را می‌پردازند، تمایلی به افزایش سطح دستمزدها ندارند؛ زیرا با افزایش دستمزدها، هزینه‌ها افزایش و سود آنها کاهش پیدا می‌کند. معمولاً حداقل دستمزدها به صورت سه‌جانبه از سوی دولت، نماینده کارفرما و کارگر تعیین می‌شود. باید توجه داشت با فرض ثبات نرخ حق بیمه، افزایش حداقل دستمزدها منجر به افزایش درآمدهای صندوق می‌گردد. از آنجایی که همواره یک حداقل دستمزد وجود دارد که مبنای حق بیمه‌ها است، افزایش حداکثر دستمزد مشمول کسر بیمه، لزوماً درآمدهای صندوق را افزایش نمی‌دهد؛ زیرا اطلاعات نامتقارن میان صندوق و کارفرما اجتناب‌ناپذیر است و چه‌بسا در برخی از سطوح حداکثر دستمزد اثر معکوس بر درآمدهای سازمان بگذارد (عبدلی، ۱۳۸۴: ۷۱).

۲-۳-۵. توزیع سنی بیمه‌شده‌ها

هر میزان میانگین سنی بیمه‌شده‌ها افزایش یابد، نسبت وابستگی کاهش می‌یابد و درآمدهای سازمان کاهش خواهد یافت (عبدلی، ۱۳۸۴: ۷۲).

۲-۴. عمده‌ترین منابع مالی سازمان تأمین اجتماعی

منابع درآمد سازمان به میزان ۲۰ درصد مزد یا حقوق بیمه‌شده سهم کارفرما؛ ۷ درصد مزد یا حقوق به عهده بیمه‌شده و ۳ درصد آن بر عهده دولت است. علاوه بر ۳۰ درصد بیمه فوق‌الذکر چنانچه بیمه‌شده مشمول قانون کار باشد، کارفرما مکلف است سه درصد مزد و حقوق بیمه‌شده را به‌عنوان حق بیمه بیکاری به سازمان پرداخت نماید. ضمناً در مشاغل سخت‌وزیان آور نیز کارفرما مکلف است ۴ درصد مزد و حقوق را علاوه بر اصل حق بیمه و حسب مورد بیمه بیکاری به سازمان پرداخت نماید (سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۵: ۴۰).

۲-۵. اثر اشتغال غیررسمی بر منابع صندوق تأمین اجتماعی

به‌طور کلی می‌توان گفت که بازارهای کاری که مشاغلی شرافتمندانه همراه با دستمزد در اختیار نیروی کار متقاضی قرار می‌دهند، پایه‌گذار اصولی و باثبات جهت تأمین مالی نظام‌های تأمین اجتماعی است؛ زیرا دستمزد بالاتر طبعاً دریافتی‌های بالاتری نیز جهت برنامه‌های تأمین اجتماعی به دنبال دارد. در سوی مقابل، در بازار ناکارآمد که در آن بیکاری در سطح بالایی قرار دارد، مشاغل موجود نیز از ثبات لازم برخوردار نیستند و سطح دستمزدها عموماً حداقل است، دریافتی‌های نظام تأمین اجتماعی تیز در سطح پایین و پرداختی‌ها نظیر بیمه بیکاری در سطح بالایی قرار دارد؛ بنابراین از پیامدهای بیکاری می‌توان به پیدایش شغل‌های ناپایدار، افزایش مصارف و کاهش منابع صندوق تأمین اجتماعی اشاره کرد. نکته قابل تأمل در این پدیده بیکارشدن مکرر دارندگان این مشاغل است؛ به‌طوری‌که تقریباً

تمامی افراد شاغل در این دسته از سقف مدت پیش‌بینی شده برای دریافت بیمه بیکاری استفاده می‌کنند (مشایخی و ریاضی، ۱۳۸۲: ۷۷). ضمن اینکه این امکان وجود دارد به دلیل گسترش اشتغال غیررسمی در نتیجه نرخ بالای بیکاری، افراد به صورت عمدی موجب اخراج خود از شغل‌های ناپایدار بخش رسمی شوند یا به صورت غیررسمی در بخش رسمی حضور داشته باشند و ضمن اینکه در بخش غیررسمی یا غیررسمی فعالیت دارند، از بیمه بیکاری نیز استفاده کنند. در چنین حالتی، نه تنها در یک برهه زمانی فرد شاغل در بخش غیررسمی، پرداختی به صندوق ندارد؛ بلکه موجب افزایش مصارف صندوق تأمین اجتماعی نیز خواهد شد (ودوپیوچ^۱، ۲۰۱۳: ۱۰).

۲-۶. مطالعات پیشین

۲-۶-۱. مطالعات داخلی

نایب (۱۳۷۸) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی ساختار بازار کار بخش غیررسمی شهری ایران»، اقدام به ارائه تصویری از بخش غیررسمی شهری ایران نموده است. در مطالعه او بخش غیررسمی شهری ایران بر اساس مالکیت بنگاه و نوع شغل تفکیک و علل پیدایش بخش غیررسمی شهری ایران بررسی شده است. وی بخش غیررسمی را مشاغل آزاد و مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی در نظر می‌گیرد که مالیات پرداخت نمی‌کنند. به اعتقاد وی، احتمال علت رشد بخش غیررسمی در ایران، هزینه‌های بوروکراسی، تنگناهای اقتصادی و هزینه‌های بالای مبادله است. او با استفاده از آمار بودجه خانوار، سهم اشتغال غیررسمی را در سال‌های ۶۴، ۶۸، ۷۲ و ۷۶ برآورد کرده و سهم اشتغال غیررسمی در این سال‌ها بین ۶۰ تا ۶۵ درصد بوده است.

رنانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور»، به مطالعه ساختار اشتغال غیررسمی کشور می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بخش غیررسمی کشور در سال ۱۳۸۲، به طور متوسط حدود ۲۸ درصد از کل اشتغال را به خود اختصاص داده است. بخش کشاورزی بیش از سایر بخش‌های اقتصادی زمینه فعالیت‌های غیررسمی را فراهم آورده است. همچنین زنان، روستاییان و عرضه‌کنندگان کار با تحصیلات پایین‌تر از دیپلم در مقایسه با مردان، شهری‌ها و دارندگان مدارک دیپلم و بالاتر، شرایط مساعدتری برای حضور در بخش غیررسمی دارند. بر اساس برآوردهای این پژوهش در سال ۱۳۸۲، ۴۸ درصد زنان شاغل، ۴۵ درصد از روستاییان شاغل و ۳۵ درصد از شاغلان با تحصیلات زیر دیپلم در بخش غیررسمی فعال بوده‌اند. از نظر ساختار و ویژگی‌های شاغلان غیررسمی به ترتیب ۶۹، ۱۲، ۸ و ۱۰ درصد از شاغلان در بخش غیررسمی بخش‌های کشاورزی، صنعت، ساختمان و خدمات شاغل بوده‌اند.

رنانی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بخش غیررسمی و ظرفیت مالیاتی ازدست‌رفته (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویراحمد)»، به بررسی سهم بخش غیررسمی قابل ارتقاء در این استان و تأثیر آن را بر افزایش ظرفیت مالیاتی ازدست‌رفته به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی استان پرداختند. ایشان با بررسی ظرفیت مالیاتی ازدست‌رفته به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی استان مذکور نشان می‌دهند که تقریباً نیمی از شاغلان بخش غیررسمی استان امکان فعالیت در بخش رسمی را نداشته و قابل ارتقا نبوده‌اند. همچنین، بیشترین ظرفیت مالیاتی ازدست‌رفته در استان متعلق به بخش کشاورزی است و مجموع ظرفیت مالیاتی ازدست‌رفته سایر بخش‌های اقتصادی استان حدود ۴/۵۲ درصد برآورد شده است.

کریمی موغاری و جهان تیغ (۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان «عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی زنان جوان در ایران»، به وضعیت اشتغال غیررسمی زنان جوان -۲۵ سال، با استفاده از طرح هزینه و درآمد خانوار در سال ۱۳۹۰ و با بهره‌گیری از مدل لاجیت به عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که:

- نرخ بیکاری در میان زنان جوان ۶۰ درصد بوده است که این نرخ در مناطق شهری و روستایی به ترتیب برابر با ۷۳/۸ و ۴۸/۴ درصد است.

- سهم اشتغال غیررسمی زنان جوان ۷۶/۲ درصد است که این سهم در مناطق شهری و روستایی به ترتیب برابر با ۶۹ و ۸۴/۲ درصد است.

- بین سن، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و احتمال اشتغال غیررسمی رابطه معناداری وجود ندارد. بدین مفهوم که زنان جوان با تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در سنین مختلف به‌نحو تقریباً یکسانی ناگزیر به پذیرش اشتغال غیررسمی با مزدهای کمتر از حداقل مزد قانونی است.

- تحصیلات دانشگاهی، وضعیت تأهل و مکان زندگی (شهر یا روستا) تأثیر معناداری بر احتمال اشتغال غیررسمی دارد. تحصیلات دانشگاهی ۱۲ درصد، متأهل بودن ۱۷ درصد و شهری بودن ۱۰ درصد احتمال اشتغال غیررسمی را کاهش می‌دهد.

کریمی موغاری و همکاران (۱۳۹۷) ساختار اشتغال غیررسمی را در مناطق شهری کردستان با استفاده از مدل رگرسیون لاجیت و داده‌های خام طرح نمونه‌گیری هزینه-درآمد خانوار در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳ بررسی کردند. نتایج حاصله از این پژوهش نشان می‌دهد که اشتغال غیررسمی در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ در مناطق شهری استان کردستان افزایش یافته و از ۶۷/۱ به ۷۳/۸ درصد رسیده است. در این بین بیشترین سهم از اشتغال غیررسمی متعلق به مردان بوده است،

به طوری که اشتغال غیررسمی در میان مردان رشد ۷/۴ درصدی را از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ تجربه کرده است.

۲-۶-۲. مطالعات خارجی

سارتوری و گایلتو^۱ (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای با عنوان «تجزیه و تحلیل ساختاری اشتغال رسمی و غیررسمی در اقتصاد برزیل»، با استفاده از روش داده-ستانده و به کارگیری جریان‌های کالا و خدمات بین بخش‌های مختلف نتیجه می‌گیرند که:

- تعداد کل شاغلان اقتصاد، از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱، حدود پنج میلیون نفر رشد کرده است. بخش‌هایی که بیشترین رشد را در تعداد افراد شاغل دارند عبارت‌اند از: الف) تجارت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی ب) خدمات شخصی؛ و ج) مدیریت دولتی.

- افزایش نرخ بیکاری در دوره تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که اقتصاد برزیل قادر به جذب جمعیتی نیست که هر ساله وارد نیروی کار می‌شود.

- کشاورزی، صنعت نساجی و مؤسسات مالی به‌طور قابل توجهی ظرفیت تولید مشاغل خود را کاهش داده‌اند که بیشتر به دلیل تعدیل فرآیند تولید آنها و همچنین، تغییر در فضای اقتصادی برزیل بود.

- سهم کشاورزی از کل اشتغال بیشترین است و پس از آن، بخش‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، خدمات، اداره عمومی و ساخت‌وسازهای ملکی قرار دارند. همان‌طور که در بالا مشاهده شد، علی‌رغم بالاترین سهم در بخش کشاورزی، تعداد افراد مرتبط با فعالیت در این بخش کاهش یافته است و در عین حال، سهم بالایی از مشاغل غیررسمی را نیز به خود اختصاص داده است.

- سهم مشاغل غیررسمی در طول این دوره بیش از ۵۰ است و این مسئله اهمیت مسئله را در اقتصاد برزیل تأیید می‌کند. از ۵ میلیون شغل ایجاد شده جدید، حدود ۳ میلیون شغل مربوط به اشتغال ایجاد شده در شغل رسمی بازار است. بنابراین، اگرچه این اشتغال غیررسمی ۵۰ درصد از کل کارگران را نشان می‌دهد، ولی به نظر می‌رسد بخش رسمی در حال ایجاد نیروی کار در حال تولید است. توضیح احتمالی این واقعیت می‌تواند افزایش اجرای قوانین کار و اشکال جدید قرارداد کار و تسهیل قرارداد کارگران موقت باشد.

لویزا و ریگولینی^۲ (۲۰۰۶) در مطالعه خود با عنوان «روندها و چرخه‌های اشتغال غیررسمی» اشتغال غیررسمی را در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته بررسی کردند. نتایج این پژوهش بیانگر آن

است که در بلندمدت میزان اشتغال غیررسمی در کشورهایی بیشتر است که درآمد سرانه پایین‌تری دارند. همچنین، عواملی مانند هزینه بالاتر تحمیلی به بنگاه‌های رسمی، پایین بودن کیفیت قوانین پلیسی و قضایی و پایین بودن سطح نظارت از دیگر عواملی است که در بلندمدت موجب افزایش اشتغال غیررسمی می‌شود. علاوه بر این، در کوتاه‌مدت اشتغال غیررسمی بیشتر تحت تأثیر کیفیت قوانین پلیسی و قضایی است و دیگر عوامل اثر چندانی را ندارند.

کوئواس^۱ و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای با عنوان «اشتغال غیررسمی در اندونزی» وضعیت اشتغال غیررسمی را در اندونزی با بهره‌گیری از داده‌ی نیروی کار سال ۲۰۰۷ بررسی کردند و نتیجه گرفتند که:

- اشتغال غیررسمی اندونزی حداقل ۲۹/۱ درصد از کل اشتغال این کشور را تشکیل می‌دهد.
- اشتغال غیررسمی تمرکز بیش‌تر در مناطق روستایی و بخش‌های کشاورزی و ساختمانی دارد. علاوه بر این زنان نسبت به مردان تمایل بیش‌تری به اشتغال غیررسمی دارند که به‌طور معمول حقوق دریافتی پایین‌تری دارد.
- اشتغال غیررسمی در مناطق روستایی متمرکز شده است؛ به‌نحوی که تقریباً ۸۰ درصد کل شاغلان غیررسمی را شامل می‌شود. به‌ویژه بخش‌های ساختمانی و کشاورزی با ۵۱/۲ و ۴۷/۵ درصد بیش‌ترین میزان را دارد.
- زنان بیش‌تر از مردان درگیر کار غیررسمی هستند؛ به‌نحوی که میزان اشتغال غیررسمی زنان دو برابر مردان است. زنان در کار غیررسمی وضعیت بدتری نسبت به مردان دارند؛ زیرا یا حقوق کمتری دریافت می‌کنند یا بیش‌تر حقوق ندارند.
- در میان طبقات کارگران متوسط درآمد ماهانه کارگران زیرگروه غیررسمی نسبت به کارگران در گروه مختلط کمتر است. این مشاهدات تقریباً در همه صنایع به‌جز در صنعت ماهیگیری صادق است.
- گانتز و لونو^۲ (۲۰۱۲)، در مطالعه خود تحت عنوان «اشتغال غیررسمی در کشورهای در حال توسعه: فرصت یا آخرین راه‌حل»، با استفاده از نظرسنجی خانوار در سال ۱۹۹۸، اشتغال غیررسمی را در بازار کار شهری ساحل‌عاج با روش پروبیت بررسی کردند. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد:
 - بخش غیررسمی در بازار کار شهری ساحل‌عاج از دو بخش تشکیل شده است که هر بخش، معادله دست‌مزد منحصر به فرد خود را دارد.
 - همچنین یک بخش از نظر درآمد، متوسط و بازده آموزش و تجربه نسبت به بخش دیگر بالاتر است.

1. Cuevas
2. Gunther & Launov

- بخش غیررسمی برای برخی افراد، یک استراتژی از آخرین راه حل برای فرار از بیکاری و برای بعضی دیگر، دارای مزیت نسبی است که سهم اشتغال رسمی ارادی بیش از اشتغال غیررسمی غیرارادی است؛ به نحوی که اشتغال غیررسمی غیرارادی حدود ۴۵٪ کل بخش غیررسمی است.

یو^۱ (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان «تعریف و اندازه گیری اشتغال غیررسمی در آفریقای جنوبی» با استفاده از داده سال ۲۰۰۹ اشتغال غیررسمی را در آفریقای جنوبی بررسی کرد. نتایج این پژوهش نشان می دهد:

- ۹۴/۷ درصد از خود اشتغالان بر اساس یکی از تعاریف دارای اشتغال غیررسمی هستند؛ اما با ترکیب ۵ تعریف متداول در رابطه با اشتغال غیررسمی این رقم به ۶۲/۲ درصد کاهش می یابد.
- بر اساس یکی از تعاریف و ترکیب پنج تعریف متداول اشتغال غیررسمی، به ترتیب ۶۷/۷ و ۶/۹ درصد کارمندان دارای اشتغال غیررسمی هستند.

لهمان و زایچوا^۲ (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «تعریف مجدد اشتغال غیررسمی و اندازه گیری عوامل تعیین کننده آن: شواهدی از روسیه» اشتغال غیررسمی را در روسیه با استفاده از مدل های پروبیت لاجیت طی دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان می دهد:

میزان اشتغال غیررسمی بر اساس تعاریف مختلف متفاوت است، اما عوامل تعیین کننده اشتغال غیررسمی در تمام تعاریف تقریباً یکسان است؛ به نحوی که احتمال اشتغال غیررسمی در کارگران جوان، مرد، کارگر با تحصیلات ابتدایی یا پایین تر، افراد کم مهارت، کارگران در ساخت و ساز و تجارت و خدمات مرتبط با آنها بیش تر است.

افراد ریسک گریز تمایل کمتری نسبت به اشتغال غیررسمی از خود نشان می دهند.

اکثریت قریب به اتفاق فارغ التحصیلان دانشگاهی مشاغل وابسته غیررسمی را از سر اراده خودشان انجام می دهند؛ در حالی که مهاجران از مناطقی غیر از قفقاز و آسیای میانه، به ویژه تحت تأثیر اشتغال غیررسمی غیرارادی هستند. همچنین، بیش از همه کارگران غیرماهر هستند که به طور غیرارادی وارد اشتغال غیررسمی می شوند.

اشتغال غیررسمی پس از رکود اقتصادی ۲۰۰۸، به ویژه برای افراد کم مهارت افزایش یافت.

بسیم^۳ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با موضوع «غیررسمی شدن در اقتصاد خرد: اندازه گیری، ترکیب و عواقب» وضعیت اشتغال غیررسمی را در قبرس شمالی در دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱

1. Yu
2. Lehmann and Zaiceva
3. Besim

بررسی کردند. نتایج این پژوهش بیانگر این موضوع است:

- میزان اشتغال غیررسمی به ترتیب ۱۴/۹ و ۲۰/۸ درصد از کل نیروی کار شاغل در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ بوده است.

- نسبت مهاجران غیرقانونی در نیروی کار در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ به ترتیب ۱۴/۳ درصد و ۲۲/۷ درصد بوده است.

- اشتغال غیررسمی اکثرأً مختص شهروندانی است که ثبت نام یا پوشش تأمین اجتماعی ندارند (۵۲ درصد)، مهاجران شاغل غیرقانونی (۴۸ درصد) و دارندگان شغل دوم (۱۵ درصد).

- دارندگان شغل دوم بخش قابل توجهی از کارگران غیررسمی را تشکیل می‌دهند. این موارد بیشتر در زمینه‌های کشاورزی، صنعت تعمیر و نگهداری و تعمیرات و - جالب است - در مشاغل مانند مهندسی، پزشکی و تدریس وجود دارد.

- میان سن و اشتغال غیررسمی رابطه‌ی لاشکل وجود دارد؛ به نحوی که میزان اشتغال غیررسمی برای کارگران تا ۲۰ سال و کارگران بالای ۵۵ سال به اندازه ۴۰ درصد و بالاتر از دیگر گروه‌های سنی بوده است.

- رابطه‌ی معناداری میان جنسیت و اشتغال غیررسمی وجود ندارد. رابطه‌ی معکوسی بین اشتغال غیررسمی و طول تحصیل مشاهده شد.

موسارو^۱ و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی با موضوع «استخدام غیررسمی در قزاقستان: یک نعمت مبدل؟» با استفاده از داده‌های نیروی کار سال ۲۰۱۳ قزاقستان و روش پروبیت به بررسی اشتغال غیررسمی پرداختند. نتایج حاکی از آن است:

- ویژگی‌های فردی یکی از مؤلفه‌های تعیین کننده‌ی اشتغال غیررسمی در قزاقستان است.

- حدود یک سوم از کارگران بخش کشاورزی با ترتیبات غیررسمی شاغل می‌شوند.

- افرادی که از دانشگاه انصراف دادند یا سطح تحصیلات پایینی دارند، دارای تمایل بیشتری به اشتغال غیررسمی دارند.

- شکاف درآمدی قابل توجهی میان کارگران رسمی و غیررسمی وجود دارد که میانگین درآمد اشتغال رسمی بالاتر است.

مروری بر مطالعات انجام شده در حیطه‌ی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که به وسیله‌ی معیارهای مختلفی نظیر مالکیت بنگاه، نوع شغل، حداقل مزد قانون کار، بیمه‌های اجتماعی و بهره‌گیری از روش داده

ستانده، در بازه‌های مختلف زمانی شاغلان غیررسمی از رسمی تفکیک شده‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهد میزان اشتغال غیررسمی در ایران در محدوده‌ای میان یک‌سوم تا بیش از دوسوم اشتغال کل در نوسان است. در پژوهش حاضر سعی شده است با بهره‌گیری از ریزداده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارها و با به‌کارگیری هم‌زمان شاخص‌های بیمه اجتماعی و حداقل مزد قانون کار، برای تمامی شاغلان موجود در طرح نمونه‌گیری و به‌صورت پیوسته در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، میزان اشتغال غیررسمی در کل کشور، به تفکیک استان‌ها و با تأکید بر نوع فعالیت اقتصادی شاغلان محاسبه شود. همچنین، وجه تفاوت دیگر پژوهش حاضر با سایر مطالعاتی که تا کنون انجام شده است در برآورد منابع مالی از دست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی ناشی از اشتغال غیررسمی در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ در مناطق مختلف کشور با تأکید بر وضعیت منابع از دست‌رفته در هر یک از بخش‌های اقتصادی است.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق در مطالعه حاضر در بخش محاسبات اشتغال غیررسمی و اندازه‌گیری منابع از دست‌رفته تأمین اجتماعی مبتنی بر روش تحلیلی-توصیفی است.

۱-۳. روش برآورد اشتغال غیررسمی

در پژوهش حاضر مطابق با تعریف سازمان بین‌المللی کار از اشتغال غیررسمی مبنی بر عدم برخورداری شاغلان از حمایت‌های شغلی و قوانین بازار کار، جهت تعیین نوع اشتغال شاغلان از گونه رسمی یا غیررسمی، از شاخص‌های برخورداری و محرومیت شاغلان از بیمه‌های اجتماعی و حداقل مزد قانونی استفاده می‌شود. جهت محاسبه اشتغال غیررسمی از داده‌های خام طرح نمونه‌گیری هزینه و درآمد خانوارها در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ بهره گرفته می‌شود. به‌طورکلی، شاغلان ۱۰ ساله و بالاتر در طرح هزینه و درآمد خانوارها به دو دسته مشاغل مزد و حقوق‌بگیر (بخش عمومی، تعاونی و خصوصی) و مشاغل آزاد (خوداشتغالان) در وضعیت‌های کارفرما، کارکن مستقل و کارکن فامیلی تقسیم‌بندی شده‌اند. برای هر یک از شاغلان موجود در طرح نمونه‌گیری هزینه و درآمد خانوار، درآمد یک سال گذشته آنان و برای شاغلان مزد و حقوق‌بگیر مزد دریافتی ماه گذشته وجود دارد. از آنجایی که مشخص نیست شاغلان مزد و حقوق‌بگیر در تمامی ماه‌های سال این میزان مزد را به‌صورت ثابت دریافت کرده‌اند یا نه، بنابراین درآمد یک‌سال گذشته آنان در این پژوهش برای تمامی شاغلان مزد و حقوق‌بگیر و خوداشتغالان به‌عنوان ملاک برخورداری از حداقل مزد قانونی قرار داده می‌شود. همچنین، در طرح هزینه و درآمد خانوارها اطلاعات مربوط به افراد بیمه‌شده به تفکیک

انواع بیمه و حق بیمه پرداخت شده توسط مستخدم، کارفرما و دولت ارائه شده است. در این پژوهش بیمه‌هایی نظیر بیمه‌های غیردرمانی در دو قالب تأمین اجتماعی و خدمات درمانی برای تمامی شاغلان موجود در نمونه به‌عنوان ملاک برخورداری از بیمه‌های اجتماعی مدنظر قرار داده می‌شود. براساس شاخص‌های معرفی شده در پژوهش حاضر، شاغلانی که از بیمه‌های اجتماعی و حداقل مزد تعیین شده توسط قانون کار برخوردارند، شاغل رسمی و کسانی که از این دو شاخص یا یکی از آنها محروم‌اند، شاغل غیررسمی قلمداد می‌شوند؛ یعنی آن دسته از شاغلان موجود در نمونه که تحت حمایت بیمه‌های اجتماعی نیستند و از حداقل مزد قانونی محروم‌اند در زمره شاغلان غیررسمی قرار می‌گیرند. همچنین، شاغلانی که از میزان حداقل مزد قانونی برخوردارند؛ اما تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار ندارند و بالعکس آن، شاغل غیررسمی به حساب می‌آیند.

۳-۲. روش برآورد منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی

روش برآورد منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی با الهام از نحوه محاسبه ظرفیت مالیاتی ازدست‌رفته در بخش غیررسمی توسط رنالی و همکاران (۱۳۹۱) استخراج شده است. در این روش جهت برآورد منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی ناشی از اشتغال غیررسمی، از مفهوم اشتغال غیررسمی قابل ارتقا بهره گرفته می‌شود. شاغلان غیررسمی قابل ارتقا آن دسته از شاغلانی هستند که از حداقل مزد قانونی ارائه‌شده توسط قانون کار برخوردارند؛ اما تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی نیستند. شاغلان غیررسمی با توصیف فوق، اگر تحت حمایت بیمه‌های اجتماعی قرار گیرند، به بخش رسمی ملحق می‌شوند و منابع مالی از این رهگذر عاید سازمان تأمین اجتماعی خواهد شد. از این رو، میزان منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در هر بخش اقتصادی (یا استان) به شیوه توصیفی زیر محاسبه می‌شود:

$$SR_i = \frac{NIE_i * ES_i}{NS_i} \quad \begin{cases} \text{بخش } i = 1, 2, \dots, 18 \\ \text{یا} \\ \text{استان } i = 1, 2, \dots, 31 \end{cases} \quad (1)$$

که در آن:

منابع ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در بخش i (یا استان) که به‌صورت درصدی از منابع کنونی قابل بیان است. NIE_i تعداد شاغلان غیررسمی قابل ارتقا در بخش i (یا استان) است. ES_i سهم پرداخت‌کننده بیمه در بخش رسمی در بخش i (یا استان) و NS_i تعداد کل پرداخت‌کننده بیمه در بخش i (یا استان) است. از ترکیب منابع مالی ازدست‌رفته در بخش‌های اقتصادی (استان‌ها) می‌توان منابع مالی ازدست‌رفته در بخش‌های عمده اقتصادی (یا کشور) را نیز محاسبه کرد. البته وزن منابع ازدست‌رفته بخش‌ها (یا استان‌ها) در هر بخش عمده اقتصادی (یا کشور) به تعداد شاغلان آن کد

بخش (یا استان) در بخش عمده اقتصادی مورد نظر (یا کشور) بستگی خواهد داشت. بنابراین، منابع از دست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در هر بخش عمده (یا کشور) به صورت رابطه زیر خواهد بود:

$$SR_k = \sum_{i=1}^I SR_{ik} \frac{FE_{ik}}{FE_k} \quad \left\{ \begin{array}{l} k = 1, 2, 3, 4 \text{ بخش عمده} \\ \text{یا} \\ k = 1 \text{ کل کشور} \end{array} \right. \quad (2)$$

در آن:

SR_k منابع از دست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در بخش عمده k (یا کشور) است که به صورت درصدی از کل منابع کنونی در آن بخش عمده قابل بیان است. SR_{ik} منابع از دست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در بخش i (یا استان) در بخش عمده k (یا کشور) است که به صورت درصدی از کل منابع کنونی در آن بخش بیان می‌شود. FE_{ik} تعداد شاغلان رسمی در بخش i (یا استان) در بخش عمده k (یا کشور) و FE_k کل شاغلان رسمی در بخش عمده k (یا کشور) است.

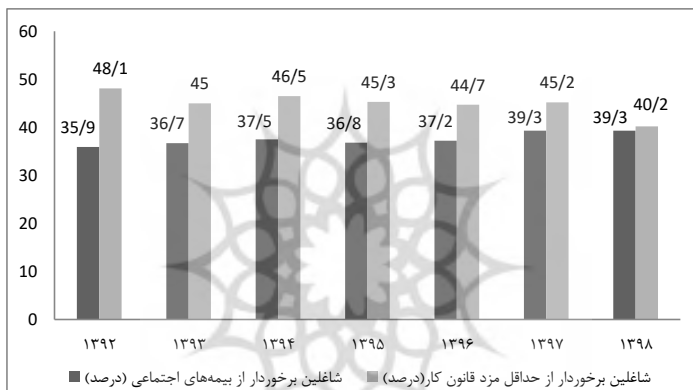
۴. تجزیه و تحلیل اشتغال غیررسمی و منابع از دست‌رفته تأمین اجتماعی

۴-۱. اشتغال غیررسمی

به وسیله پردازش بر ریزداده‌های طرح نمونه‌گیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ و با بهره‌گیری از شاخص‌های بیمه اجتماعی و حداقل مزد قانونی نوع اشتغال شاغلان ۱۰ ساله و بالاتر موجود در این طرح به لحاظ رسمی یا غیررسمی مشخص و در جدول (۱) گزارش شده است. در سال ۱۳۹۲، از میان ۴۰۱۹۳ شاغل موجود در نمونه ۱۴۴۲۹ نفر (۳۵/۹ درصد) تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار دارند و ۱۹۳۳۳ نفر (۴۸/۱ درصد) از شاغلان از حداقل مزد قانونی بهره‌مند هستند. در سال ۱۳۹۳، ۳۹۴۱۲ شاغل در طرح هزینه و درآمد خانوار وجود دارد که از این میان، ۱۴۴۷۵ شاغل (۳۶/۷ درصد) تحت حمایت بیمه‌های اجتماعی قرار دارند و ۱۷۷۱۹ شاغل (۴۵ درصد) از حداقل مزد قانونی برخوردارند. در ریزداده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارها در سال ۱۳۹۴، تعداد شاغلان موجود در طرح ۳۸۴۱۵ نفر است که از این تعداد ۱۴۳۸۷ تن (۳۷/۵ درصد) از بیمه‌های اجتماعی و ۱۷۸۵۶ تن (۴۶/۵ درصد) از حداقل مزد قانونی برخوردارند. پردازش ریزداده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارها در سال ۱۳۹۵ حاکی از آن است که از میان ۳۷۷۱۳ شاغل موجود در نمونه، ۱۳۸۷۱ شاغل (۳۶/۸ درصد) تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار دارند و ۱۷۰۹۲ شاغل (۴۵/۳ درصد) حداقل مزد قانونی را دریافت می‌کنند. در سال ۱۳۹۶، ۳۷۷۴۲ شاغل در طرح هزینه و درآمد خانوار وجود دارد که از این میان، ۱۴۰۴۸ شاغل (۳۷/۲ درصد) از بیمه‌های اجتماعی

و ۱۶۸۷۲ شاغل (۴۴/۷ درصد) از حداقل مزد قانونی بهره‌مند هستند. پردازش ریزداده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارها در سال ۱۳۹۷ نشان‌گر آن است که از میان ۳۸۴۷۳ شاغل موجود در نمونه، ۱۵۱۲۵ شاغل (۳۹/۳ درصد) تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند و ۱۷۳۹۱ شاغل (۴۵/۲ درصد) حداقل مزد قانونی را دریافت کرده‌اند. در سال ۱۳۹۸، با وجود ۳۷۱۷۲ شاغل، ۱۴۶۰۲ نفر از شاغلان (۳۹/۳ درصد) از بیمه‌های اجتماعی و ۱۴۹۶۰ نفر از شاغلان (۴۰/۲ درصد) از حداقل مزد قانونی برخوردار شده‌اند. به‌طور کلی با توجه به شکل (۱)، در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، ۳/۴ درصد بر میزان شاغلان بیمه‌دار افزوده شده و ۷/۹ درصد از میزان شاغلان برخوردار از حداقل مزد قانونی کاسته شده است..

شکل ۱. میزان شاغلان برخوردار از بیمه‌های اجتماعی و حداقل مزد قانون کار طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸



مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۱. اشتغال و اشتغال غیررسمی در کل کشور طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۸

سال	شاغلین رسمی (نفر)	شاغلین غیررسمی (نفر)	کل شاغلین (نفر)	سهم اشتغال غیررسمی از اشتغال کل (درصد)
۱۳۹۲	۱۰۶۹۷	۲۹۴۹۶	۴۰۱۹۳	۷۳/۴
۱۳۹۳	۱۰۲۹۹	۲۹۱۱۳	۳۹۴۱۲	۷۳/۹
۱۳۹۴	۱۰۲۸۳	۲۸۱۳۲	۳۸۴۱۵	۷۳/۲
۱۳۹۵	۹۸۴۵	۲۷۸۶۸	۳۷۷۱۳	۷۳/۹
۱۳۹۶	۹۷۱۰	۲۸۰۳۲	۳۷۷۴۲	۷۴/۳
۱۳۹۷	۱۰۴۵۳	۲۸۰۲۰	۳۸۴۷۳	۷۲/۸
۱۳۹۸	۹۳۱۱	۲۷۸۶۱	۳۷۱۷۲	۷۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مطابق با جدول (۱) روند اشتغال غیررسمی در دوره مورد بررسی با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است، ولی در مجموع میزان اشتغال غیررسمی در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۲، ۱/۶ درصد رشد داشته است. همچنین، در سال‌های ۱۳۹۲، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۷ میزان اشتغال غیررسمی به ترتیب ۷۳/۴، ۷۳/۲ و ۷۲/۸ درصد بوده است که پایین‌تر از متوسط میزان اشتغال غیررسمی از کل اشتغال (۷۳/۸ درصد) در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ است.

۴-۱. وضعیت اشتغال غیررسمی در استان‌ها

با توجه به تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی در نقاط مختلف کشور، ماهیت اشتغال در هر استان براساس ویژگی‌های خاص آن متفاوت از سایر استان‌ها است؛ بنابراین با پردازش ریزداده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارها بر مبنای شاخص‌های محرومیت از بیمه‌های اجتماعی و حداقل مزد قانونی، سهم اشتغال غیررسمی از کل اشتغال به تفکیک استان‌ها به‌طور متوسط طی بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ محاسبه و در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول ۲. متوسط سهم اشتغال غیررسمی به تفکیک استان‌ها طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۸ (درصد)

استان	اشتغال غیررسمی	استان	اشتغال غیررسمی
آذربایجان شرقی	۷۶/۴	فارس	۷۵/۶
آذربایجان غربی	۸۷/۷	قزوین	۷۱/۵
اردبیل	۸۲/۵	قم	۷۱/۸
اصفهان	۶۴/۸	کردستان	۸۶/۴
البرز	۵۴/۷	کرمان	۷۶/۹
ایلام	۷۷	کرمانشاه	۸۶/۵
بوشهر	۶۰/۲	کهگیلویه و بویراحمد	۷۴/۷
تهران	۵۸/۳	گلستان	۷۹/۵
چهارمحال و بختیاری	۶۶	گیلان	۷۵/۸
خراسان جنوبی	۷۱/۳	لرستان	۸۲/۳
خراسان رضوی	۸۰/۸	مازندران	۶۲/۸
خراسان شمالی	۸۱/۸	مرکزی	۷۵/۲
خوزستان	۷۰/۱	هرمزگان	۷۱/۵
زنجان	۷۶/۵	همدان	۷۸/۴
سمنان	۶۳/۱	یزد	۵۸/۹
سیستان و بلوچستان	۷۷/۸		

منبع: یافته‌های پژوهش

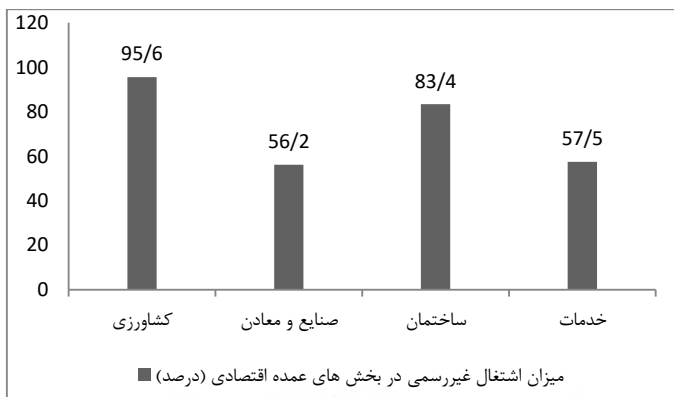
جدول ۳. اشتغال و اشتغال غیررسمی در بخش‌های عمده اقتصادی طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۸

سال							بخش‌های عمده اقتصادی	
۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲		
۱۰۷۲	۱۲۳۲	۱۱۹۷	۱۱۵۳	۱۱۸۲	۱۲۲۲	۱۲۷۶	شاغلین رسمی (نفر)	
۵۴۳۸	۵۷۳۷	۵۷۷۳	۵۹۰۱	۶۱۱۷	۶۳۳۳	۶۵۵۷	شاغلین غیررسمی (نفر)	
۶۵۱۰	۶۹۶۹	۶۹۷۰	۷۰۵۴	۷۲۹۹	۷۵۵۵	۷۸۳۳	کل شاغلین (نفر)	
۸۳/۵	۸۲/۳	۸۲/۸	۸۳/۷	۸۳/۸	۸۳/۸	۸۳/۷	سهم اشتغال غیررسمی از اشتغال کل (درصد)	
۵۷۰۲	۶۴۰۴	۶۰۶۰	۶۱۲۰	۶۴۷۱	۶۴۱۳	۶۶۷۶	شاغلین رسمی (نفر)	
۸۹۹۴	۹۰۷۳	۸۵۷۵	۸۳۲۷	۸۱۹۳	۸۱۴۱	۸۰۱۲	شاغلین غیررسمی (نفر)	
۱۴۶۹۶	۱۵۴۷۷	۱۴۶۳۵	۱۴۴۴۷	۱۴۶۶۴	۱۴۵۵۴	۱۴۶۸۸	کل شاغلین (نفر)	
۶۱/۲	۵۸/۶	۵۸/۶	۵۷/۶	۵۵/۹	۵۵/۹	۵۴/۶	سهم اشتغال غیررسمی از اشتغال کل (درصد)	

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق با جدول (۳) از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، بخش عمده خدمات بیشترین تعداد از شاغلان را نسبت به سایر بخش‌های عمده اقتصادی در خود جای داده است و کمترین تعداد از شاغلان در بخش عمده صنایع و معادن مشغول به فعالیت هستند. علاوه بر این، در همه بخش‌های عمده اقتصادی تعداد شاغل غیررسمی بیش از شاغل رسمی است؛ به گونه‌ای که با توجه به شکل (۲) بیشترین سهم اشتغال غیررسمی از کل اشتغال مربوط به بخش عمده کشاورزی با رقم متوسط ۹۵/۶ درصد است که این میزان بالا از اشتغال غیررسمی در این بخش می‌تواند مربوط به وجود کارگران روزمزد و ماهیت فAMILI و خانوادگی فعالیت‌های کشاورزی در ایران باشد. پس از بخش عمده کشاورزی، بیشترین سهم اشتغال غیررسمی از کل اشتغال در بخش عمده ساختمان وجود دارد؛ به نحوی که به طور متوسط ۸۳/۴ درصد از کل اشتغال بخش عمده ساختمان غیررسمی است. در بخش عمده ساختمان نیز همچون بخش کشاورزی ماهیت این بخش (وجود کارگران روزمزد و فصلی) به صورتی است که این میزان از اشتغال غیررسمی را توجیه می‌کند. همچنین، کوتاه‌مدت بودن فعالیت‌های بخش عمده ساختمان نیز می‌تواند از دیگر عواملی باشد که امکان جذب نیروی کار غیررسمی را برای فعالان حاضر در این بخش افزایش داده است. پس از بخش‌های عمده کشاورزی و ساختمان، بخش‌های عمده خدمات و صنایع و معادن قرار می‌گیرد که به ترتیب سهم اشتغال غیررسمی به اشتغال کل در این بخش‌ها به طور متوسط ۵۷/۵ و ۵۶/۲ درصد است. با توجه به جدول (۳) از میان بخش‌های اقتصادی میزان اشتغال غیررسمی تنها در بخش خدمات روند صعودی داشته؛ به نحوی که از ۵۴/۶ درصد در سال ۱۳۹۲ به

۶۱/۲ درصد در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است. میزان اشتغال غیررسمی در سایر بخش‌های عمده اقتصادی به‌طور کلی در بازه زمانی مذکور دچار کاهش یک تا دو دهم درصدی شده است.



شکل ۲. متوسط میزان اشتغال غیررسمی در بخش‌های عمده اقتصادی طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸
 مأخذ: یافته‌های پژوهش

۳-۱-۴. سهم اشتغال غیررسمی در بخش‌های اقتصادی

در این قسمت بر اساس کد ISIC و با توجه به تعداد شاغلان در هر یک از بخش‌ها، به‌طور کلی ۱۸ بخش در چهار بخش عمده در نظر گرفته شده است. با پردازش ریزداده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارها در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ و بهره‌گیری از شاخص‌های بیمه اجتماعی و حداقل مزد قانونی، توزیع اشتغال و اشتغال غیررسمی بر حسب بخش‌های اقتصادی محاسبه شد. پردازش اولیه داده‌ها نشان می‌دهد طی بازه زمانی مذکور در بخش عمده کشاورزی؛ بخش کشاورزی و جنگلداری، در بخش عمده صنایع و معادن؛ بخش صنعت، در بخش عمده ساختمان؛ بخش ساختمان و در بخش عمده خدمات؛ بخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی بیشترین تعداد شاغلان را به‌خود اختصاص داده است. همچنین تعداد شاغلین غیررسمی در ۹ مورد از بخش‌های اقتصادی نظیر؛ کشاورزی و جنگلداری، ماهیگیری، صنعت، ساختمان، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، حمل‌ونقل و انبارداری، هتل و رستوران، مستغلات و سایر خدمات بیش از تعداد شاغلان رسمی است. در سایر بخش‌ها تعداد شاغلان رسمی از غیررسمی پیشی گرفته است.

در جدول (۴) نتایج حاصل از محاسبات سهم اشتغال غیررسمی بر حسب بخش‌های اقتصادی در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ گزارش شده است. مطابق با جدول (۴) در بخش کشاورزی و جنگلداری روند سهم اشتغال غیررسمی از کل اشتغال طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ کاهشی است؛ به‌نحوی که سهم اشتغال غیررسمی از ۹۶/۳ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۹۵/۹ درصد در سال ۱۳۹۸ کاهش یافت

که رقمی برابر با میانگین طی دوره موردبررسی است. در بخش ماهیگیری روند کاملاً متفاوت با بخش کشاورزی و جنگلداری است؛ به صورتی که در این گروه سهم اشتغال غیررسمی با افزایش ۱۰/۹ درصدی از ۷۷/۶ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۸۸/۵ درصد در سال ۱۳۹۸ رسید. در بخش معدن در ابتدا روند افزایشی مشاهده می شود و سهم اشتغال غیررسمی از ۳۰/۶ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۳۹/۵ درصد در سال ۱۳۹۶ افزایش یافت و سپس با طی کردن روندی کاملاً کاهشی به ۲۴/۴ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است. در بخش صنعت روندی تقریباً نوسانی طی دوره ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ وجود دارد؛ به طوری که کاهش و افزایش در نسبت اشتغال غیررسمی به کل اشتغال رخ داده است، ولی در مجموع سهم اشتغال غیررسمی از ۵۷/۹ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۵۸/۶ درصد در سال ۱۳۹۸ افزایش یافت. در بخش انرژی نیز روند همچون بخش صنعت طی دوره نوسانی است با این تفاوت که سهم اشتغال غیررسمی در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۲، ۳/۵ درصد رشد داشته است. در بخش ساختمان روند کلی سهم اشتغال غیررسمی طی دوره افزایشی است؛ به صورتی که سهم اشتغال غیررسمی از ۸۶/۵ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۸۷/۳ درصد در سال ۱۳۹۸ افزایش یافت. بخش عمده فروشی و خرده فروشی نیز همچون بخش صنعت روندی نوسانی را طی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ طی نموده است، ولی در مجموع در سال ۱۳۹۸ این بخش رشدی ۳/۳ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۲ در سهم اشتغال غیررسمی داشته است. در بخش های هتل و رستوران، واسطه گرهای مالی، مستغلات، بخش های علمی و بخش اداری و خدمات پشتیبانی نیز روند نوسانی طی دوره ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ قابل مشاهده است. در بخش حمل و نقل و انبارداری ابتدا روندی کاهشی مشاهده می شود که با کاهشی ۱/۷ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۲، در سال ۱۳۹۴ به رقم ۶۲/۲ درصد کاهش یافته است. پس از سال ۱۳۹۴ سهم اشتغال غیررسمی روندی صعودی را طی می کند؛ به نحوی که در سال ۱۳۹۸ سهم اشتغال غیررسمی در بخش حمل و نقل و انبارداری به ۶۸/۷ درصد افزایش یافت.

جدول ۴. توزیع سهم اشتغال غیررسمی در بخش های اقتصادی طی سال های ۱۳۹۲-۱۳۹۸ (درصد)

اشتغال غیررسمی								بخش های اقتصادی	
۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۲-۹۸		
۹۶/۳	۹۶/۲	۹۵/۹	۹۵/۹	۹۵/۷	۹۵/۲	۹۵/۹	۹۵/۹	کشاورزی و جنگلداری	بخش عمده کشاورزی
۷۷/۶	۷۹/۸	۷۹/۱	۸۳/۳	۸۳/۵	۸۹/۱	۸۸/۵	۸۲/۹		ماهیگیری
۳۰/۶	۳۱/۱	۳۵/۶	۳۶/۸	۳۹/۵	۲۵/۶	۲۴/۴	۳۱/۵	معدن	بخش عمده صنایع و معادن
۵۷/۹	۵۷/۷	۵۷/۸	۵۸/۱	۵۹/۸	۵۷/۳	۵۸/۶	۵۸/۲	صنعت	

اشتغال غیررسمی در بخش آموزش در سال ۱۳۹۸ به ۲۷/۲ درصد افزایش یافته است. همچنین، بخش بهداشت نیز روندی کاملاً افزایشی را از ابتدا تا انتهای دوره طی نموده است؛ به نحوی که سهم اشتغال غیررسمی در بخش بهداشت در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۲، افزایشی ۱۰/۹ درصدی داشته است. به طور کلی، در بخش عمده کشاورزی؛ بخش کشاورزی و جنگلداری، در بخش عمده صنایع و معادن؛ بخش صنعت، در بخش عمده ساختمان؛ بخش ساختمان و در بخش عمده خدمات؛ بخش سایر خدمات بیشترین سهم شاغلان غیررسمی از اشتغال کل را دارند. لازم به ذکر است سایر خدمات، شامل فعالیت‌هایی نظیر هنر و سرگرمی، کتابخانه و فرهنگی، فعالیت‌های ورزشی - تفریحی، تعمیر رایانه و سایر کالاها، فعالیت خانوارها، فعالیت خودمصرفی و فعالیت سازمان‌های برون‌مرزی است. علاوه بر این، بخش‌های آموزش، بهداشت و امور دفاعی و عمومی، به ترتیب کمترین سهم از شاغلان غیررسمی را نسبت به سایر فعالیت‌ها به خود اختصاص داده‌اند.

۴-۲. برآورد منابع مالی از دست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی

منابع مالی از دست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در کل کشور در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ به همراه اشتغال غیررسمی قابل ارتقا با بهره‌گیری از رابطه (۲) محاسبه و در جدول (۵) گزارش شده است. مطابق با یافته‌های این جدول، علی‌رغم آنکه سهم اشتغال غیررسمی از کل اشتغال در بازه زمانی مذکور با فراز و نشیب‌هایی هرچند اندک، به طور کلی با افزایش روبه‌رو بوده است، ولی سهم اشتغال غیررسمی قابل ارتقا از کل اشتغال غیررسمی (به استثنای سال ۱۳۹۴) روندی کاهشی داشته است. از دلایل این امر می‌توان به ترکیب هم‌زمان افزایش شمار بیمه‌داران و کاهش تعداد برخورداران از حداقل مزد قانونی اشاره کرد. علاوه بر این، منابع مالی از دست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در این بازه زمانی (به استثنای سال ۱۳۹۴) روند نزولی را طی کرده و از ۱۷/۹ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۱۰/۹ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است. همچنین، محاسبات نشان می‌دهد سازمان تأمین اجتماعی به طور میانگین در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، ۱۴/۵ درصد منابع مالی از دست‌رفته دارد.

جدول ۵. منابع مالی از دست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در کل کشور طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۸ (درصد)

سال	سهم اشتغال غیررسمی	سهم اشتغال غیررسمی قابل ارتقا	منابع از دست‌رفته
۱۳۹۲	۷۳/۴	۲۹/۳	۱۷/۹
۱۳۹۳	۷۳/۹	۲۵/۵	۱۵/۳
۱۳۹۴	۷۳/۲	۲۶/۹	۱۵/۴
۱۳۹۵	۷۳/۹	۲۶	۱۵
۱۳۹۶	۷۴/۳	۲۵/۵	۱۴/۳

ادامه جدول ۵.

سال	سهم اشتغال غیررسمی	سهم اشتغال غیررسمی قابل ارتقا	منابع ازدست رفته
۱۳۹۷	۷۲/۸	۲۴/۸	۱۳/۷
۱۳۹۸	۷۵	۲۰/۳	۱۰/۹
۹۸- ۱۳۹۲	۷۳/۸	۲۵/۳	۱۴/۵

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۲-۱. برآورد منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در استان‌ها

با استفاده از رابطه (۱) منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در ۳۱ استان کشور در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ محاسبه و نتایج آن در جدول (۶) گزارش شده است.

جدول ۶. منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی به تفکیک استان‌ها طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۸

استان	منابع ازدست‌رفته (درصد)							
	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۹۸- ۱۳۹۲
آذربایجان شرقی	۱۰/۳	۱۰/۴	۱۰/۶	۹/۸	۱۱	۹	۷	۹/۶
آذربایجان غربی	۱۴/۹	۱۴	۲۸/۲	۲۲/۶	۲۱/۷	۲۵/۴	۲۴/۲	۲۱
اردبیل	۹/۶	۶/۱	۷/۹	۷/۷	۷/۴	۵/۸	۴/۴	۶/۸
اصفهان	۷/۹	۶/۳	۵/۸	۵/۸	۹/۳	۶/۶	۶/۲	۶/۷
البرز	۳۸/۱	۲۹/۲	۱۹/۶	۲۴/۹	۲۹/۹	۳۲/۹	۳۱/۴	۲۸/۹
ایلام	۱۷/۸	۱۱/۶	۹/۹	۱۲/۷	۱۴/۴	۱۳/۷	۱۲/۹	۱۳/۱
بوشهر	۱۷	۱۰/۳	۱۱/۲	۱۱/۹	۱۶/۱	۱۴/۵	۱۰/۹	۱۲/۹
تهران	۳۶/۶	۳۱	۳۳/۷	۳۲/۳	۳۷/۶	۳۸	۲۴/۷	۳۳/۱
چهارمحال و بختیاری	۱۲/۹	۱۲/۷	۱۲/۱	۱۹/۹	۱۳/۷	۱۲/۹	۹/۷	۱۳/۱
خراسان جنوبی	۱۵/۲	۱۴/۶	۱۹/۶	۲۰/۲	۹	۷	۵/۴	۱۱/۷
خراسان رضوی	۱۲/۶	۱۵/۹	۱۲/۷	۹/۹	۸/۵	۸/۳	۷/۱	۱۰/۳
خراسان شمالی	۱۷/۷	۱۶/۶	۱۲	۹/۶	۷/۵	۵/۷	۶/۷	۱۰
خوزستان	۲۳/۲	۲۱/۴	۱۹/۹	۱۲/۶	۱۰/۴	۱۲/۳	۱۰/۴	۱۴/۹
زنجان	۱۳/۲	۸/۴	۶/۴	۸/۶	۸/۱	۶/۷	۷/۵	۸/۲
سمنان	۱۹	۱۶/۷	۱۴/۳	۱۳/۷	۱۱/۳	۹/۶	۴/۶	۱۱/۸

منابع ازدست‌رفته (درصد)								استان
۱۳۹۲-۹۸	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	
۷/۹	۵/۲	۵/۵	۸/۹	۸	۹/۶	۹/۳	۱۰/۴	سیستان و بلوچستان
۱۵/۲	۱۵/۳	۱۳/۲	۱۳/۴	۱۴/۴	۱۶/۹	۱۷/۷	۱۶	فارس
۱۱/۸	۶	۹	۹/۶	۱۴/۲	۱۱/۴	۱۵/۹	۲۴/۵	قزوین
۲۱/۶	۱۰/۳	۱۷/۶	۲۱/۵	۲۱/۸	۲۵/۴	۳۰/۶	۳۲/۹	قم
۱۳/۹	۱۰/۷	۱۴/۷	۱۱/۱	۱۳/۳	۱۳/۲	۱۵/۵	۲۰/۹	کردستان
۶/۱	۶/۷	۵/۸	۶/۵	۶/۹	۵/۴	۵/۵	۶/۲	کرمان
۶/۳	۵/۱	۸/۷	۵/۴	۵/۷	۵/۱	۶/۹	۷/۹	کرمانشاه
۲۸/۶	۱۵/۳	۲۹/۴	۳۹/۳	۴۳/۴	۲۹	۲۴/۵	۲۸/۴	کهگیلویه و بویراحمد
۶/۵	۵/۴	۷/۷	۶/۹	۶/۲	۶/۵	۵/۲	۷/۹	گلستان
۱۱	۱۱	۱۲/۱	۱۳/۱	۱۱/۷	۹/۱	۹/۴	۱۱/۵	گیلان
۱۰/۴	۳/۸	۹/۴	۱۰/۵	۱۶/۷	۲۱/۴	۶/۳	۱۵/۵	لرستان
۱۵/۵	۱۲/۶	۱۴/۷	۱۵	۱۸/۱	۱۵/۹	۱۶	۱۷/۱	مازندران
۱۱/۳	۸/۲	۱۰/۱	۱۱/۱	۱۲/۶	۱۴/۴	۱۲/۱	۱۱/۷	مرکزی
۱۵/۵	۹/۵	۱۳/۱	۹/۸	۱۴	۲۵/۳	۱۸/۲	۲۷/۱	هرمزگان
۹/۶	۵/۴	۱۰/۷	۱۴/۳	۱۰/۱	۱۰/۶	۸/۲	۱۰/۵	همدان
۷/۷	۷/۴	۸/۶	۶/۵	۶/۸	۷/۳	۸	۹/۹	یزد

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق جدول (۶)، منابع ازدست‌رفته در ۲۹ استان در مجموع (مشابه با وضعیت کل کشور) روندی کاهشی را تجربه کرده است. تنها در استان آذربایجان غربی و کرمان روند افزایشی است. در استان آذربایجان غربی منابع ازدست‌رفته از ۱۴/۹ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۲۴/۲ درصد در سال ۱۳۹۸ و در کرمان از ۶/۲ به ۶/۷ درصد افزایش یافته است. علاوه بر این متوسط منابع مالی ازدست‌رفته طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ حکایت از آن دارد که استان‌های تهران، البرز و کهگیلویه و بویراحمد بالاترین منابع مالی ازدست‌رفته را به ترتیب با ارقام ۳۳/۱، ۲۸/۹ و ۲۸/۶ درصد دارا هستند. همچنین، کمترین منابع مالی ازدست‌رفته به ترتیب مربوط به استان‌های کرمان، کرمانشاه و گلستان با ارقام ۶/۱، ۶/۳ و ۶/۵ درصد است. محاسبات نشان می‌دهد در ۹ استان کشور، منابع مالی ازدست‌رفته بیش از متوسط کشوری (۱۴/۵ درصد) است.

۴-۲-۲. برآورد منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در بخش‌های عمده اقتصادی

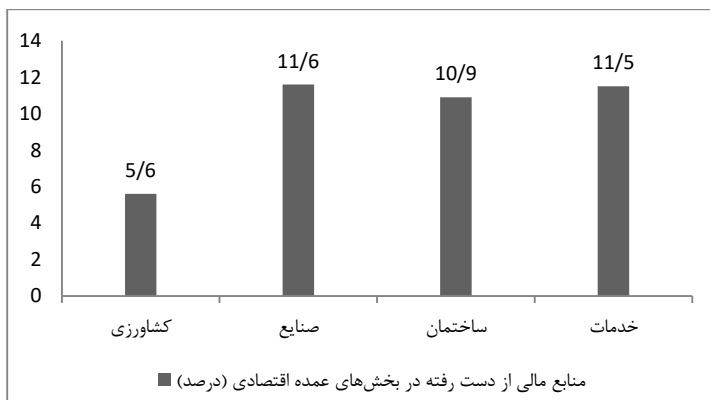
جهت روشن شدن این موضوع که در بخش‌های عمده اقتصادی میزان منابع ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی به چه ترتیب است؛ جدول (۷) و شکل (۳) با استفاده از رابطه (۲) در چهار بخش برای سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ ارائه شده است. علی‌رغم آنکه بخش عمده کشاورزی بیشترین میزان از شاغلان غیررسمی را در بازه زمانی مذکور به خود اختصاص داده است، ولی به دلیل غیرقابل ارتقا بودن بخش بزرگی از این شاغلان، کمترین منابع ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی را دارا است. علت اصلی غیرقابل ارتقا بودن شاغلان غیررسمی در این بخش عدم برخورداری شمار زیادی از شاغلان غیررسمی از حداقل مزد قانونی است. مطابق با جدول (۳) بخش صنایع و معادن کمترین میزان از شاغلان غیررسمی را به خود اختصاص داده است، ولی به دلیل بالا بودن میزان اشتغال غیررسمی قابل ارتقا در میان شاغلان غیررسمی در این بخش، صنایع و معادن به طور متوسط بالاترین منابع ازدست‌رفته را با رقم ۱۱/۶ درصد نسبت به سایر بخش‌های عمده اقتصادی به خود اختصاص داده است. بخش‌های عمده خدمات و ساختمان از نظر منابع ازدست‌رفته به ترتیب در رتبه‌های بعدی جای می‌گیرند، با این توضیح که اختلاف منابع ازدست‌رفته در بخش عمده خدمات نسبت به بخش عمده صنایع و معادن بسیار ناچیز است. در مجموع، مشابه با وضعیت کشوری، منابع ازدست‌رفته در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ در همه بخش‌های عمده اقتصادی روندی کاهشی دارد.

جدول ۷. منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در کل کشور به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۸

منابع از دست رفته (درصد)							بخش‌های عمده اقتصادی
۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	
۴/۶	۵/۸	۵/۳	۵/۶	۶/۴	۵/۲	۶/۹	کشاورزی
۸/۶	۱۱/۱	۱۳/۱	۱۱/۹	۱۲/۲	۱۱/۸	۱۳/۵	صنایع و معادن
۶/۱	۸/۸	۱۱/۲	۱۲	۱۲/۶	۱۲	۱۶/۷	ساختمان
۹	۱۱/۳	۱۲/۲	۱۱/۸	۱۱/۹	۱۱/۵	۱۲/۱	خدمات

منبع: یافته‌های پژوهش

شکل ۳. متوسط منابع مالی ازدست‌رفته در بخش‌های عمده اقتصادی طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸



مأخذ: یافته‌های پژوهش

۴-۲-۳. برآورد منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در بخش‌های اقتصادی

در پژوهش حاضر هریک از بخش‌های عمده اقتصادی به بخش‌هایی مطابق با کد فعالیت اقتصادی آیسیک (ISIC) تقسیم شده‌اند. در پاسخ به این سؤال که میزان منابع ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در هر بخش اقتصادی در کل کشور به چه ترتیب است، جدول (۸) ارائه شده است.

براساس جدول (۸)، در ۱۵ بخش اقتصادی (مشابه با روند کاهشی منابع ازدست‌رفته در کل کشور) منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی روندی نزولی را طی کرده است؛ به طوری که شدت کاهشی این منابع ازدست‌رفته به ترتیب در بخش‌های حمل‌ونقل، ماهیگیری و ساختمان بیش از سایر فعالیت‌ها است. همچنین، بخش بهداشت در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۹۸ کماکان تغییری نداشته و بخش امور دفاعی و عمومی و آموزش نیز روندی افزایشی را طی نموده است. یافته‌های جدول (۸) حکایت از آن دارد که در بازه زمانی مذکور، در بخش عمده کشاورزی؛ بخش ماهیگیری، در بخش عمده صنایع و معادن؛ بخش معدن، در بخش عمده ساختمان (آب برق، گاز و ساختمان)؛ بخش ساختمان و در بخش عمده خدمات؛ بخش مستغلات بیشترین میزان متوسط منابع ازدست‌رفته را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، در کل کشور از میان ۱۸ بخش اقتصادی، به ترتیب بخش‌های مستغلات، واسطه‌گرهای مالی و حمل‌ونقل و عمده‌فروشی و خرده‌فروشی از بخش عمده خدمات با منابع ازدست‌رفته‌ای به ارقام ۳۳/۳، ۲۰/۳ و ۱۹/۷ بیشترین منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر این، در بخش‌هایی نظیر آموزش، بهداشت و کشاورزی و جنگلداری کمترین منابع مالی ازدست‌رفته نسبت به سایر فعالیت‌ها وجود دارد.

جدول ۸. منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در کل کشور به تفکیک بخش‌های اقتصادی طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۸

منابع ازدست‌رفته (درصد)								بخش‌های اقتصادی
۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۹۸-۱۳۹۲	
۵/۷	۵/۱	۵/۷	۵/۵	۵/۱	۵/۸	۴/۷	۵/۴	کشاورزی و جنگلداری
۱۶/۵	۵/۸	۱۲/۵	۶/۹	۷/۴	۵/۹	۳/۷	۷/۵	ماهگیری
۱۸/۵	۱۹/۵	۲۲/۱	۲۱	۲۴/۷	۱۲/۶	۱۱/۵	۱۷/۹	معادن
۱۲/۸	۱۱	۱۱/۱	۱۰/۸	۱۱/۵	۱۰/۸	۸/۱	۱۰/۸	صنعت
۱۲	۷/۶	۹/۲	۸/۱	۱۰	۷/۸	۷/۸	۸/۸	انرژی
۱۸	۱۳/۲	۱۳/۷	۱۳/۲	۱۱/۶	۹/۱	۵/۵	۱۱/۴	ساختمان
۲۳/۸	۱۹/۶	۲۰/۱	۱۹/۸	۲۰/۴	۱۹/۵	۱۵/۵	۱۹/۷	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی
۲۸	۲۱/۸	۲۲	۲۰/۳	۱۹/۹	۱۷/۷	۱۱/۸	۱۹/۷	حمل‌ونقل و انبارداری
۱۷/۴	۱۸/۸	۱۷/۸	۲۰/۷	۱۴/۷	۱۷	۱۱/۵	۱۶/۶	هتل و رستوران
۱۱/۳	۱۶/۲	۱۳/۲	۱۲/۵	۸/۷	۱۰/۵	۸/۶	۱۱/۳	اطلاعات و ارتباطات
۲۲/۲	۲۴/۷	۲۰/۶	۲۲/۸	۲۱	۱۷/۶	۱۵	۲۰/۳	واسطه‌گرهای مالی
۳۷/۵	۳۰	۳۵/۲	۳۶/۴	۳۰/۷	۳۲/۸	۳۱/۲	۳۳/۳	مستغلات
۱۲/۹	۱۳/۵	۱۹	۱۳/۷	۱۵/۷	۱۲/۲	۹/۹	۱۳/۶	فعالیت‌های علمی
۸/۸	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۰	۸/۱	۷/۴	۵/۹	۸/۵	اداری و خدمات پشتیبانی
۴	۴/۸	۵/۵	۶/۹	۸/۸	۸/۷	۷/۵	۶/۴	امور دفاعی و عمومی
۳/۳	۳/۱	۳/۱	۲/۸	۳/۶	۳/۲	۳/۵	۳/۲	آموزش
۵/۶	۵	۴/۹	۴/۴	۳/۵	۳/۵	۵/۶	۴/۶	بهداشت
۱۳/۶	۱۰/۴	۱۰	۱۲/۲	۹/۸	۱۱/۱	۶/۶	۱۰/۳	سایر

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. یافته‌های پژوهش

عمده منابع تأمین اجتماعی در ایران بر دریافت حق بیمه استوار است. پس هرچه سهم بخش غیررسمی در یک منطقه بیشتر باشد، از شمار بیمه‌پردازان کاسته می‌شود و درآمدهای سازمان تأمین اجتماعی کاهش و هزینه‌ها (مصارف) افزایش می‌یابد. با توجه به این امر که سهمی از شاغلان بخش غیررسمی از این ویژگی برخوردار هستند که در صورت حمایت به بخش رسمی ملحق شوند، از این

رهگذر عایدی مالی نصیب سازمان تأمین اجتماعی خواهد شد؛ بنابراین، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از ریزداده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارها و به‌کارگیری شاخص‌های بیمه اجتماعی و حداقل مزد قانونی به اندازه‌گیری اشتغال غیررسمی و شناسایی ساختار آن بر حسب مناطق و بخش‌های اقتصادی در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ پرداخته است. همچنین، به‌وسیله معرفی مفهوم اشتغال غیررسمی قابل ارتقا، منابع مالی از دست‌رفته ناشی از اشتغال غیررسمی در سازمان تأمین اجتماعی به شیوه توصیفی برآورد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از محاسبه اشتغال غیررسمی نشان می‌دهد که علی‌رغم کاهش در تعداد شاغلان موجود در طرح نمونه‌گیری هزینه و درآمد خانوارها در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، میزان شاغلان بیمه‌شده از ۳۵/۹ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۳۹/۳ درصد در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته و میزان برخورداری شاغلان از حداقل مزد قانونی از ۴۸/۱ درصد به ۴۰/۲ درصد کاهش یافته است. سهم اشتغال غیررسمی از کل اشتغال در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده و در مجموع از ۷۳/۶ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۷۵ درصد در سال ۱۳۹۸ گسترش یافته است. همچنین، استان‌های آذربایجان غربی، کرمانشاه و کردستان به ترتیب بیشترین میزان متوسط اشتغال غیررسمی (بیش از ۸۵ درصد) از اشتغال کل را در بازه زمانی مذکور نسبت به سایر استان‌ها به خود اختصاص داده‌اند. متوسط سهم اشتغال غیررسمی در استان‌های مرزی ۷۶/۳ درصد و در استان‌های غیرمرزی ۶۹/۴ درصد است و در نتیجه استان‌های مرزی بیش از سایر استان‌ها مستعد غیررسمی شدن کسب‌وکار هستند. طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، بخش عمده خدمات بیشترین تعداد از شاغلان را نسبت به سایر بخش‌های عمده اقتصادی در خود جای داده است و کمترین تعداد از شاغلان در بخش عمده صنایع و معادن مشغول به فعالیت هستند. علاوه بر این، در همه بخش‌های عمده اقتصادی تعداد شاغل غیررسمی بیش از شاغل رسمی است؛ به‌گونه‌ای که بیشترین سهم اشتغال غیررسمی از کل اشتغال مربوط به بخش عمده کشاورزی با رقم متوسط ۹۵/۶ درصد است که این میزان بالا از اشتغال غیررسمی در این بخش عمده می‌تواند مربوط به وجود کارگران روزمزد و ماهیت فامیلی و خانوادگی فعالیت‌های کشاورزی در ایران باشد. پس از بخش عمده کشاورزی، بیشترین سهم اشتغال غیررسمی از کل اشتغال در بخش عمده ساختمان وجود دارد؛ به‌نحوی که به‌طور متوسط ۸۳/۴ درصد از کل اشتغال بخش عمده ساختمان غیررسمی است. در بخش عمده ساختمان نیز همچون بخش عمده کشاورزی ماهیت این بخش (وجود کارگران روزمزد و فصلی) به‌صورتی است که این میزان از اشتغال غیررسمی را توجیه می‌کند. همچنین، کوتاه‌مدت بودن فعالیت‌های بخش عمده ساختمان نیز می‌تواند از دیگر عواملی بوده باشد که امکان جذب نیروی کار غیررسمی را برای فعالان حاضر در این بخش افزایش داده است. پس از بخش‌های عمده کشاورزی و ساختمان، بخش‌های عمده خدمات و صنایع و معادن قرار می‌گیرد که به ترتیب سهم اشتغال غیررسمی به اشتغال کل در این بخش‌های عمده به‌طور متوسط ۵۷/۵ و ۵۶/۲ درصد

است. از میان بخش‌های عمده اقتصادی میزان اشتغال غیررسمی تنها در بخش عمده خدمات روند صعودی داشته؛ به نحوی که از ۵۴/۶ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۶۱/۲ درصد در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است. میزان اشتغال غیررسمی در سایر بخش‌های عمده اقتصادی به‌طور کلی در بازه زمانی مذکور دچار کاهش یک تا دودهم درصدی شده است. پردازش اولیه داده‌ها نشان می‌دهد طی بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ در بخش عمده کشاورزی؛ بخش کشاورزی و جنگلداری، در بخش عمده صنایع و معادن؛ بخش صنعت، در بخش عمده ساختمان؛ بخش ساختمان و در بخش عمده خدمات؛ بخش عمده فروشی و خرده‌فروشی بیشترین تعداد شاغلان را به خود اختصاص داده است. همچنین، تعداد شاغلان غیررسمی در ۹ مورد از بخش‌های اقتصادی نظیر کشاورزی و جنگلداری، ماهیگیری، صنعت، ساختمان، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، حمل‌ونقل و انبارداری، هتل و رستوران، مستغلات و سایر خدمات بیش از تعداد شاغلان رسمی است. از نظر سهم نیز در بخش عمده کشاورزی؛ بخش کشاورزی و جنگلداری، در بخش عمده صنایع و معادن؛ بخش صنعت، در بخش عمده ساختمان؛ بخش ساختمان و در بخش عمده خدمات؛ بخش سایر خدمات بیشترین سهم شاغلان غیررسمی از اشتغال کل را دارا هستند. علاوه بر این، بخش‌های آموزش، بهداشت و امور دفاعی و عمومی به ترتیب کمترین سهم از شاغلان غیررسمی را نسبت به سایر بخش‌ها به خود اختصاص داده‌اند.

نتایج حاصل از برآورد منابع ازدست‌رفته تأمین اجتماعی نشان می‌دهد که در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ علی‌رغم اینکه در کشور سهم اشتغال غیررسمی از کل اشتغال تقریباً با افزایش روبه‌رو بوده است، ولی سهم اشتغال غیررسمی قابل ارتقا از کل اشتغال غیررسمی تقریباً روندی کاهشی داشته است. دلیل این امر را می‌توان در ترکیب هم‌زمان افزایش شمار بیمه‌داران و کاهش تعداد برخورداران از حداقل مزد قانونی جست‌وجو نمود. علاوه بر این، محاسبه منابع ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در کل کشور نشان می‌دهد که منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در دوره مورد بررسی روندی کاهشی را طی کرده و از ۱۷/۹ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۱۰/۹ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است. همچنین، محاسبات نشان می‌دهد که میانگین منابع مالی ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در ۳۱ استان طول دوره برابر با ۱۴/۵ درصد است. محاسبه منابع ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در ۳۱ استان کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که منابع ازدست‌رفته در مجموع در استان، در مجموع (مشابه با وضعیت کل کشور) روندی کاهشی را تجربه کرده است. تنها در استان آذربایجان غربی و کرمان روند افزایشی است. میانگین منابع مالی ازدست‌رفته طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که منابع مالی ازدست‌رفته استان تهران در بالاترین سطح (با رقم ۳۳/۱ درصد) و برای استان کرمان (با رقم ۶/۱ درصد) در پایین‌ترین سطح قرار دارد. همچنین، در ۹ استان کشور منابع مالی ازدست‌رفته بیش از متوسط کشوری (۱۴/۵ درصد) است. محاسبه منابع ازدست‌رفته سازمان تأمین اجتماعی در بخش‌های عمده اقتصادی طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که بخش عمده

کشاورزی با برخورداری از بیشترین درصد شاغلان غیررسمی، به دلیل غیرقابل ارتقا بودن بخش بزرگی از این شاغلان، کمترین منابع از دست رفته سازمان تأمین اجتماعی را دارا است. علت اصلی غیرقابل ارتقا بودن شاغلان غیررسمی در این بخش، محرومیت شمار زیادی از شاغلان غیررسمی از حداقل مزد قانونی است. در سوی مقابل، بخش عمده صنایع و معادن با برخورداری از کمترین سهم شاغلان غیررسمی، به دلیل بالابودن میزان اشتغال غیررسمی قابل ارتقا در میان شاغلان غیررسمی، به طور متوسط بالاترین منابع از دست رفته (۱۱/۶ درصد) را در مقایسه با سایر بخش های عمده اقتصادی دارد. بخش های عمده خدمات و ساختمان از نظر منابع از دست رفته به ترتیب در رتبه های بعدی جای می گیرند و البته اختلاف منابع از دست رفته در بخش عمده خدمات نسبت به بخش عمده صنایع و معادن بسیار ناچیز است. همچنین، در مجموع مشابه با وضعیت کشوری، منابع از دست رفته در همه بخش های عمده اقتصادی دارای روندی کاهشی است. برآورد منابع از دست رفته تأمین اجتماعی در بخش های اقتصادی نشان از آن دارد که در بخش عمده کشاورزی؛ بخش ماهیگیری، در بخش عمده صنایع و معادن؛ بخش معدن، در بخش عمده ساختمان (آب برق، گاز و ساختمان)؛ بخش ساختمان و در بخش عمده خدمات؛ بخش مستغلات بیشترین میزان متوسط منابع از دست رفته را در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ به خود اختصاص داده اند. همچنین، در کل کشور از میان ۱۸ بخش اقتصادی، به ترتیب بخش های مستغلات، واسطه گره های مالی و حمل و نقل و عمده فروشی و خرده فروشی از بخش عمده خدمات، بیشترین منابع مالی از دست رفته سازمان تأمین اجتماعی را به خود اختصاص داده اند. علاوه بر این، در بخش هایی نظیر آموزش، بهداشت و کشاورزی و جنگلداری کمترین منابع مالی از دست رفته نسبت به سایر بخش ها وجود دارد.

با توجه به کاهش تعداد شاغلان برخوردار از حداقل مزد قانونی و افزایش سهم اشتغال غیررسمی از کل اشتغال طی سال های مورد مطالعه شایسته است تا ضمن شناسایی دقیق تر فعالیت های اقتصادی و به ویژه فعالیت های اقتصادی ثبت نشده در کشور، قوانین و قواعد مربوطه مورد بازنگری واقع شود و بتوان از مجرای آن افراد شاغل بیشتری را در زمره دریافت کنندگان حداقل مزد درآورد و از این منظر چتر بیمه ای را گسترش و منابع تأمین اجتماعی را ارتقا بخشید. همچنین، با توجه به مستعد بودن غیررسمی شدن کسب و کارها در استان های مرزی و سهم بالای اشتغال غیررسمی از کل اشتغال در این استان ها پیشنهاد می شود نظارت ویژه تری بر این فعالیت ها در استان های مرزی صورت گیرد و با اتکا بر مشوق های لازم و ممکن، امور اقتصادی در این استان ها را شفاف تر رصد کند و تحت حمایت بیمه های اجتماعی درآورد. مطابق با محاسبات اگرچه روندی کاهشی در منابع از دست رفته سازمان تأمین اجتماعی در طی دوره مورد بررسی حاکم بوده است، ولی میانگین ۱۴/۵ درصدی منابع مالی از دست رفته رقم قابل اغماضی نیست و لازم است تا ضمن توجه بیش از پیش در راستای شتاب بخشی بیشتر در کاهش آن، سیاست هایی هدفمند از سوی سازمان اتخاذ و اعمال گردد. همچنین، با توجه

به سهم بالای بخش عمده صنایع و معادن در مقایسه با سایر بخش‌های عمده و بر خور داری از رقم متوسط ۱۱/۶ درصدی در منابع ازدست‌رفته و همچنین، قابلیت ارتقای بالای شاغلان در این بخش عمده، شایسته است تا این بخش مورد توجه بیشتری در سازمان واقع گردد. همچنین، در راستای مطالعه حاضر می‌توان برای مطالعات آتی بر عوامل مؤثر بر منابع ازدست‌رفته تأمین اجتماعی در قالب کشوری و بخشی تمرکز نمود و از این مجرا نوع و اندازه اثرگذاری عوامل اقتصادی و اجتماعی را بر میزان منابع ازدست‌رفته تأمین اجتماعی تبیین و تحلیل نمود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- رنانی، محسن (۱۳۸۴). «ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور»، *مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)* ۵(۴۹ و ۵۰)، ۲۱-۳۹.
- رنانی، محسن؛ شیرین اربابیان و محمد میرزایی (۱۳۹۱). «بخش غیررسمی و ظرفیت مالیاتی ازدست‌رفته (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویر احمد)»، *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی - ایرانی)*، ۱۲(۴۴)، ۹۹-۱۳۰.
- سازمان تأمین اجتماعی. (۱۳۹۴). تأمین اجتماعی برای همه: آشنایی با مأموریت‌ها، کارکردها و افراد برخوردار از خدمات سازمان تأمین اجتماعی. تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۹۵). مفاهیم و تعاریف بیمه اجتماعی و تأمین اجتماعی. تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- عبدلی، قهرمان (۱۳۸۴). «اقتصاد تأمین اجتماعی در ایران؛ مطالعه موردی منابع بیمه‌ای»، *پژوهشهای اقتصادی ایران*، ۷(۲۵)، ۶۵-۸۲.
- کریمی موغاری، زهرا و الهام جهان‌تیغ (۱۳۹۳). «عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی زنان جوان در ایران»، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان* ۱۲(۳)، ۱۱۵-۱۴۰.
- کریمی موغاری، زهرا؛ شهریار زروکی و زریان احمدی (۱۳۹۷). «محاسبه و تحلیل ساختار اشتغال غیررسمی در مناطق شهری استان کردستان»، *فصلنامه اقتصاد کاربردی* ۸(۲۶)، ۱-۱۵.
- مشایخی، مهرنوش و محسن ریاضی (۱۳۸۲). «تأثیر و تأثر متقابل تأمین اجتماعی و اشتغال در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۰»، *فصلنامه تأمین اجتماعی* ۵(۴)، ۶۱-۸۴.
- مرکز آمار ایران، ریز داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی، سال‌های ۹۸-۱۳۹۲.
- نایب، سعید (۱۳۷۸). بررسی ساختار بازار کار بخش غیررسمی شهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- Angel-Urdinola, D. F., & Tanabe, K. (2012). "Micro-determinants of Informal Employment in the Middle East and North Africa Region" (No. 66594). *The World Bank*.
- Bairagya, I. (2012). "Employment in India's Informal Sector: Size, Patterns, Growth and Determinants". *Journal of the Asia Pacific Economy*, 17(4): 593-615.
- Besim, M., Ekici, T., & Jenkins, G. P. (2015). "Informality in a Micro Economy: Measurement, Composition and Consequences". *International Labour Review*, 154(3): 353-371.
- Cuevas, S., Rosario, A., Barcenas, M. L., & Christian, M. (2009). "Informal Employment in Indonesia". *Asian Development Bank Economics Working Paper Series*, No. 156, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1611406> or <http://dx.doi.org/2139/10/ssrn.1611406>.
- Gunther, I., & Launov, A. (2012). "Informal Employment in Developing Countries: Opportunity or Last Resort?" *Journal of Development Economics*, 97(1): 88-98.
- Görmüş, A. (2017). "The Micro Determinants of Informal Youth Employment in Turkey". *Unregistered employment*, 157-169.
- Hart, K. (1973). "Informal Income Opportunities and Urban Employment in Ghana". *The journal of Modern African Studies*, 11(1): 61-89.

- Hussmanns, R. (2004). "Defining and Measuring Informal Employment". ILO Bureau of Statistics. *Geneva: International Labour Office*.
- Kan, E. O., & Tansel, A. (2014). "Defining and Measuring Informality in the Turkish Labor Market". (August 3, 2014). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2475525> or <http://dx.doi.org/2139/10/ssrn.2475525>.
- Kucera, D., & Roncolato, L. (2008). "Informal Employment: Two Contested Policy Issues". *International Labour Review*, 147(4): 321-348.
- Lehmann, H., & Zaiceva, A. (2013). "Re-defining Informal Employment and Measuring its Determinants: Evidence from Russia" (No. 7844). *IZA Discussion Papers*.
- Loayza, N., & Rigolini, J. (2006). "Informality Trends and Cycles". *World Bank Policy Research Working Paper*, (4078).
- Mazumdar, D. (1976), "The Urban Informal Sector". *World Development*, 9,655-679.
- Mussurov, A., Sholk, D., & Arabsheibani, G. R. (2019). "Informal Employment in Kazakhstan: A Blessing in Disguise?". *Eurasian Economic Review*, 9(2): 267-284.
- Sartori, F., & Guilhoto, J. (2006). "Structural Analysis of the Formal and Informal Jobs in the Brazilian Economy". 46th Congress of the European Regional Science Association.
- Sethuraman, S. V, (1981). *The Urban Informal Sector in Developing Country, Employment, Poverty and Environment*. Geneva, ILO.
- Vodopivec, M. (2013). Introducing Unemployment Insurance to Developing Countries. *IZA Journal of Labor Policy*, 2(1), 1-23.
- Williams, C. C., & Round, J. (2008). "Rethorizing the Nature of Informal Employment: Some Lessons from Ukraine". *International Sociology*, 23(3): 367-388.
- Yu, D. (2012). "Defining and Measuring Informal Employment in South Africa". *Development Southern Africa*, 29(1): 157-175.

پښتونستان د علومو انساني و مطالعاتو فرانسې
پرتال جامع علوم انساني